

(۱)

درس‌ها وپندها پیرامون تبدیل قبله

ستایش مخصوص خدایی است پروردگار جهانیان است، در قرآن کریم می فرماید: {لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ} ترجمه: «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنی، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران، ایمان آورده باشد، و مال خود را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و گدایان و در راه آزادی بردگان بدهد، و نماز را برپا دارد و زکات را بدهد، و وفا کنندگان به پیمانشان چون پیمان بندند و کسانی که در فقر و سختی و زیان و بیماری و به هنگام نبرد شکیبایند. اینها کسانی هستند که راست گفتند و آنها پرهیزگاراند»، گواهی میدهم براینکه نیست معبود برحق جز الله واحد و لا شریک، و گواهی می دهم براینکه سردار و پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده اوست، اللهم صل وسلم وبارک علیه وعلی آله وصحبه اجمعین.

وبعد!

همانا بخشش‌ها و مهربانی‌های الهی بر امت محمدی در ماه شعبان بیشتر از حساب و شمارش می باشد، درواقع برخی از واقعات بزرگی را که در این ماه جشن می گیریم واقعه تغییر قبله از بیت المقدس به بیت الله شریف است، چنان واقعه ای که مهترین واقعه تاریخ اسلامی ما پنداشته می شود، چون خداوند جل جلاله خواهش حبیب مصطفی خود صلی الله علیه وسلم را پذیرفت، و او را به آرمان و اهدافش رسانید، او

(۲)

را در نمازش به طرف کعبه شریف قبله پدرش حضرت ابراهیم علیه سلام متوجه ساخت.

او صلی الله علیه وسلم پیش از هجرت در نمازش به سوی بیت المقدس متوجه می شد، و پس از هجرتش نیز مدت شانزده -یا هفده- ماه به این وضعیت ادامه داد، و همیشه اشتیاق شدید داشت تا وحی نازل شود و او را به روی گرداندن به سوی مسجد الحرام دستور بدهد، و از دل به درگاه خداوند با زبان حال دعا می کرد، و یقین داشت که پروردگارش امید او را برآورده می سازد، پس خداوند دعای او را اجابت کرد، و به او دستور داد تا در نمازش به سوی کعبه شریف متوجه شود، طوری که می فرماید: {قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ} ترجمه: «به تحقیق ما گرداندن روی تو را به سوی آسمان می بینیم، اکنون تو را به سوی قبله ای که به آن خشنود شوی باز می گردانیم، پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن، و هر جا که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید».

بدون تردید کسی که پیرامون تحویل قبله به دید دقیق بنگرد بر درسها و پندهای زیادی واقف خواهد شد، مانند: بزرگی جایگاه و بلندی شوکت و بیان منزلت پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد پروردگارش، قسمی که در این فرموده خداوند متعال به پیامبرش آشکار می شود: {فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا} ترجمه: «اکنون تو را به سوی قبله ای که به آن خشنود شوی باز می گردانیم»، این همه فضل و احسان خداوند و بیان بزرگی جایگاه پیامبر ما صلی الله علیه وسلم بود، چنانچه می فرماید: {وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى} و ادامه فضل پروردگارش بر او، چرا نه؟ خداوند ذاتی است که سینه او را باز نمود، طوری که می فرماید: {أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ} ترجمه: «(ای پیامبر) آیا ما سینه ات را برایت نگشودیم؟»، و بار دوش او را رفع نمود، چنانچه می گوید: {وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ}

ترجمه: «و بار (سنگین) تو را از دوش تو بر نداشتیم؟»، گناهان او را بخشید: {إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ} ترجمه: «به راستی ما برای تو فتح و پیروزی آشکاری مقرر کرده ایم * تا خداوند گناهان گذشته و آینده تو را بپامرزد»، و زبان او را تزکیه نمود: {وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ} ترجمه: «و از روی هوای نفس سخن نمی گوید»، همچنین قلب او را تزکیه کرد: {مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ} ترجمه: «قلب (محمد) آنچه را دید دروغ نگفت»، عقل او را تزکیه کرد: {مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ} ترجمه: «یار شما (=محمد) گمراه نشده و راه را گم نکرده است»، و بینش او را تزکیه کرد: {مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ} ترجمه: «چشم (پیامبر) خطا نکرد و از حد نگذشت»، و استاد او را تزکیه نمود: {عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ} ترجمه: «(فرشته) بس نیرومند (=جبرئیل) او را تعلیم داده است»، اخلاق او را تزکیه نمود: {وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ} ترجمه: «و یقیناً تو ای محمد بر اخلاق و خوی بسیار بزرگ و والایی هستی»، و همه خصال و اخلاق او را تزکیه کرد: {لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ} ترجمه: «یقیناً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است».

و برخی از درسهای آموخته شده از تحویل قبله: وجوب تمسک امت بر منهاج میانه روی و اعتدال است: در واقع این حادثه بزرگ مبدأ میانه روی امت اسلامی را اساس‌گذاری نمود، طوری که خداوند متعال می فرماید: {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ} ترجمه: «و همچنین شما را امت میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید».

چنان میانه روی که بدون افراط و تفریط شامل همه بخشهای زندگی می شود، پس این میانه روی به معنای عدالت و نیکویی، اعتدال و برابری می باشد، باید ما دوباره به همان میانروی که خداوند توسط آن ما را عزت داده است برگردیم، و در همه امور مان میانه روان واقعی بوده باشیم، چون خداوند متعال می فرماید: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ

(۴)

وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا { ترجمه: «و هرگز دستت را به گردن خودت نبند (و ترک انفاق نکن) و بیش از حد آن گشای، آنگاه سرزنش شده ی درمانده بنشینی»، و همچنین می فرماید: {وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا} ترجمه: «وکسانی که چون انفاق کنند، اسراف نمی نمایند و سختگیری نمی کنند، و بین این دو روش اعتدال دارند».

و برخی از درس های گرفته شده از تحویل قبله:

_ سرعت پیروی مسلمانان از امر الله جل جلاله و رسولش صلی الله علیه وسلم، این سرعت در اتباع خود دلیلی است بر اعتماد صحابه رضی الله عنهم بر تمامی آنچه را که رسول الله از طرف الله به ارمغان آورده است زیرا الله قلوبشان را به پذیرش حق چنان فراخ ساخت است الله خودمیفرماید

ترجمه: وما قبله های که بر آن بوده ای و تاکنون بسوی آن نماز خوانده ای (و هم اینک فرمان روکردن به جهت کعبه صادر شده است) قبله ننموده بودیم مگر اینکه بدانیم چی کسی از پیامبر پیروی می نماید و چه کسی بر پاشنه های خود میچرخد و به عقب بر میگردد و اگرچه تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته است بدان رو کند بس بزرگ و دشوار است مگر برکسانکه خدا آنها را رهنمون کرده باشد و خدا ایمان شمارا ضایع نمی گرداند

پس تحویل قبله از مسجد الاقصی بسوی مسجد الحرام بمجرد اصدار امر الهی آنهم در وقت ادای نماز بهترین مثالی است به سرعت پیروی صحابه از امر الله و امر رسول که به این امر لبیک گفتند و بدون تاخیر و مجادله ی حتی برای اتمام نماز و بدور از شک و تردید به فرمان الله اردستورش فرمان برداشتن در حالی روهایشان را از مسجد الاقصی بسوی مسجد الحرام گشتاندن که به رکوع بودند.

(۵)

از عبد الله بن عمر روایت شده است که مسلمانان در قبا مصروف ادای نماز صبح بودند شخصی آمد و گفت در این شب بر پیابر قرانی نازل شده است و در آن امر به این شده است تا مسلمانان به نماز هایشان به کعبه رو آوردند

پس مسلمانان در حالیکه روهای شان بسوی شام (بیت المقدس) بود و نماز میگذاریدند بسوی مسجد الحرام روی آوردند

و همچنان آنچه بعنوان درس از تحویل قبله برمی آید اهمیت و جایگاه نماز در شریعت اسلام و بیان رحمت بی پایان الله بر بنده گانش است قرآن کریم نماز و دو واقعه بزرگ از مشهور ترین وقائع در تاریخ اسلام را با هم ربط داده است به معنی که نماز در شب واقعه تاریخی (معجزه اسراء و معراج) در بالای هفت آسمان بر امت پیامبر فرض گردیده است که این امر بیانگر بزرگی شأن نماز در اسلام میباشد.

همچنانکه در بحث قرآنی از تحویل قبله بسوی مسجد الحرام تعبیر به ایمان شده است خداوند میفرماید (وماکان الله لیضیع ایمانکم) ترجمه خدا ایمان های شما را ضایع نمی سازد. ایمان یعنی نماز های شما را که از تحویل قبله خوانده اید ضایع نمی سازد. از ابن عباس چنین روایت است زمانیکه رسول خدا به تحویل قبله از مسجد الاقصی به مسجد الحرام امر شد صحابه گفتند حال آن برادران ماکه قبل از امر تحویل قبله وفات نمودند و نماز هایشان را بسوی بیت المقدس ادا کرده بودند چی خواهد شد پس خداوند این آیه را نازل فرمود (وماکان الله لیضیع ایمانکم) و بر این آرامشی بر قلبی مومنین نسبت به نماز های سابقه شان بسوی بیت المقدس بود.

پس کلمات آخر ایه برای سردی و سلامتی دل های مومنین و تشویق همه مردم به گرایش ایمان نازل گردید خداوند میفرماید (ان الله بالناس لرووف الرحیم) ترجمه: بی گمان خدا نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است

(٦)

— درس دیگری که از تحویل قبله برمی آید اظهار رابطه محکم و علاقه قوی میان مسجد الحرام به مکه مکرمه و مسجد الاقصی به بیت المقدس است.

که برای اولین بار مسجد الحرام و در مرتبه دوم مسجد الاقصی بخاطر عبادت الله بر زمین بنانهاده شده است. از ابی ذر روایت است فرموده است که از رسول الله پرسیدم کدام مسجد برای اولین بار بنا نهاده شده است فرمودند مسجد الحرام گفتم بعد از آن فرمودند مسجد الاقصی پرسیدم چند سال تفاوت میان آنها وجود داشته است گفتند چهل سال و فرمودند هر جای که وقت نماز شد نماز را بخوان آنجا برایت مسجد است.

چنانکه واقعه اسراء و معراج ربطی میان این دو مسجد قائل است تحویل قبله نیز میان این دو مسجد علاقه‌ی محکمی قایل شده است الله جل جلاله میفرماید (سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی) ترجمه: تسبیح و تقدس خدائی راسزاست که بنده خود (محمد) در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد ازینجاست که حمیات و عدم تفریط بحق هر کدام از این دو مسجد همسان از واجبات هر فرد مسلمانان بوده است زیرا این دو مسجد تاقیام قیامت از امانتهای الله نزد مسلمانان میباشد.

أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم

الحمد لله رب العالمين، و أشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له، و أشهد أن سيدنا و نبينا محمد عبده و رسوله، اللهم صل وسلم و بارك عليه و علي اله و صحبه أجمعين و من تبعهم باحسان الي يوم الدين امتياز و يا برتری زندگی رسول الله -صلى الله عليه و سلم- در تمامی مراحلش ایجابی و يا مثبت بود؛ رسول الله -ص- در سن پانزده سالگی در

(۷)

اتفاقیه حلف فضول(اتفاقیه که به خاطر گرفتن حق مظلوم از ظالم توسط سران قریش در خانه عبدالله بن جدعان صورت گرفته بود اشتراک ورزیدند؛ در این اتفاقیه سران قریش عقد و تعهد بستند که در مکه مظلومی اگر دیده شود دستش گرفته و با وی تعاون و هم دردی صورت گیرد؛ و اگر بالای کسی ظلم صورت گرفت باید حق مظلوم از ظالم گرفته و حقتش واپس گردانیده شود؛ رسول الله -ص- فرمودند: «همانا در خانه عبد الله بن جدعان شاهد سوگندی بودم که برایم محبوبتر از شتران سرخ بود، اگر با آن در اسلام دعوت شوم حتما می پذیرم.

و در سن سی و پنج سالگی با حمل سنگ های طاقت فرسا در شانه های مبارک شان در ساختار و تجدید خانه کعبه شریفه سهم گرفتند؛ در آنوقت حین گذاشتن سنگ حجر الاسود نزاع شدیدی میان اهل قریش صورت گرفت هر یک میخواست شرف گذاشتن سنگ حجر الاسود را داشته باشد و در فرجام همه اهل قریش رسول الله -ص- را به خاطر اخلاق و سلوک نیک که داشتند برای گذاشتن سنگ حجر الاسود انتخاب کردند.

پیامبر -ص- بعد از مبعوث شدن به پیامبری قنوه و یا الگوی ایجابیت و مثبت اندیشی بودند؛ چنانچه در همه امور الگوی امت اسلامی هستند و همواره اصحاب کرام را به ایجابیت تشویق میکردند.

رسول الله -ص- همواره اصحابش را تشجیع و تشویق به ایجابیات و از سلبیات در حذر میداشتند چنانچه میفرمایند: (لا یکن احدکم امعه؛ یقول: ان احسن الناس احسنت و ان اساءوا أسات، ولكن وطنوا انفسکم ان احسن الناس ان تحسنوا و ان اساءوا ان لا تظلموا).

ایجابیت و یا مثبت اندیشی به معنای احساس مسولیت در قبال دین و وطن میباشد؛ دوست داشتن وطن منحصر به مشاعر و عواطف قلبی نیست باید این مشاعر و عواطف لباس عمل را نیز با خود داشته باشد
بناء انسان ایجابی به کسی اطلاق میشود که با قضایای مجتمع خود را ساخته و تاثیر گذاری مثبت روی جامعه می گذارد

(۸)

بدون تردید از پدیده های ایجابیت؛ مشارکت در آنچیزیکه خدمت در مجتمع و سبب بناء دولت؛ حفظ امنیت؛ استقرار و تطور میگردد میباشد برابر است که خدمت گذاری از طریق دفاع به وطن صورت میگیرد و یا از طریق عمل و یا مهارت خاص دیگر و یا هم از طریق خدمت گذاری به ابناء وطن...

چنانچه احمد شوقی می گوید:

یقیناً برای وطن در خون هر شخص آزاد دست قرض ده و دین مستحق است.

خدایا! حقیقت حق را برای ما آشکار و ما را از پیروان آن بگردان، و بطلان باطل را آشکار و پرهیز از آن را به روزی گردان، مصر و ملت و ارتش و پلیس آنرا حفظ نما.